

بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

روضة عقل

فردوس جنون

روایت زندگے کسانے است
کہ عقل حسابتے را کتار گزاشتند
و دیوانہ نامیدہ شدند.

خیال می کنی که کتاب بدی ؟
تو هم بدست داشته که دوست را از دست بدهی
عصرم را تا این جا رد کنی (ادم به تو
با این همه اتقایی و کتاب بگو چه کردی با عمرم ؟
کاشتر حاصل تیرت به سر ما به عمرم را نشانم می دادی !
کو ؟ کی است ؟ چیست ؟

آه ایست ؟ یا سراب ؟ خاک را ایست ؟
اگر کتاب و کتاب تو بدست است
چس این همه افکار خیران برای چیست ؟
دوست ندادم . حساب از دست بفریده ام
اما این کتاب را تقدیم می کنم به تو
به این امید که بخوانی و دست از حسابگری برداری

تقدیم به عقل حسابگر

فهرست

- ۹ | بخشی از مقدمه
۱۱ | اگر سپردن عقل به تو، دیوانگی است، ...
۱۷ | فقط دیوانه ها زندگی می کنند
۲۳ | حرف های یک دیوانه با خودش
۲۹ | تنها دیوانه ها عقل دارند
۳۹ | فرهنگ لغات دیوانگی
۴۵ | امان از عقل حسابگر!
۵۱ | عروسک و دیوانه
۵۷ | گفتگوی من با یک دیوانه
۶۳ | در شهر دیوانه ها چه می گذرد؟
۶۵ | نمایی از شهر دیوانه ها
۹۷ | مدرسه دیوانه ها
۱۴۱ | مُحَرَّم در شهر دیوانه ها چه خبر است؟
۱۵۳ | درد دل من با یک دیوانه
۲۶۳ | مؤخره ای به جای مقدمه

بخشی از مقدمه

در میان واژه‌هایی که در مقابل چشمانت صف کشیده‌اند
 آن جا که بر سرِ عقل کوفته‌ایم
 مقصودمان «عقلِ حسابگر» است که سدّ راه بندگی است
 اما آن جا که عقل راستوده‌ایم
 مقصودمان «عقلِ طاعت» است که بال و پر پرواز است.
 دیوانه این جمله‌ها هم مانند دیوانه‌های دیگر عقل ندارد
 اما عقلی که این دیوانه‌ها از خود رانده‌اند
 «عقلِ حسابگر» است.

در هیاهوی این واژه‌ها
دیوانه، کسی است که «عقل حسابگر» را به بند کشیده
و بنده «عقل طاعت» شده.
درست از همین روست که او را دیوانه نامیده‌اند
وقتی عقلی که این جماعت، رو به قبله آن، نماز می‌خوانند
«عقل حسابگر» باشد
آن که به چنین عقلی پشت کند
معلوم است که دیوانه نامیده می‌شود.
جمله‌های این نوشتار بر آن است
تا مرز میان «عقل حسابگر» و «عقل طاعت» را
در قالب واژه‌ها نشان دهد.^۱

۱. مقدمه را به صورت کامل در انتهای کتاب بخوانید.